

بین او و می باشد فلما الاقل منه و مراراً و ان  
 علق بنوتمها بشرط و در حدی مرتبه ترش ان علق  
 یفعل و یفعلها و لا بد لها منه ادب غیرها و قد علق  
 فی المرض **یعنی الرجعة** فی العدة و ان اب  
 او لم تبین حقیقه او علیها بخوارجه و یوکلها  
 و مسها شهوة و نظره الی فرجها لاجل الشهوة و  
 الشهوة علی الرجعة و اعلامها بها و ان لا یقبل  
 علیها حتی یوذنها ان لم یقصد جمعها و معتد  
 الرجعی تزین و در طهارت و لا یفرجها حتی شهید  
 علی جمعها و صدقت فرضی عدتها ان امکن و یقار  
 و تکذیبها خیارها بالرجعة فی العدة و لا تجزئ  
 بعدلات

انقضاء سنه  
 14  
 عن صاحب کتاب الرجعة

بسم الله الرحمن الرحيم

ذهبیه هب و با باین وقت و حقه غلطی  
 چیزی از جای فرا و خوار اگر بختن صدمه و در  
 با یک با و از عده و و عدا و عده کردن میسر  
 قمار بختن میسر است بختن معاودة باز بختن  
 مباحه با یکدیگر خرید و فروخت کردن و معافی  
 بیعت کردن رجوعه و رجوعه سست شدن و  
 و رضوانا و رضوانا و رضوانا بمقتضای خوشنودند  
 و عا و عین نظم و عوده بقیه دال بود خواندن  
 با نفع در طعم بکشد و در نیک بچون روانه نقل  
 کردن نامی مفارقتش روی بروی کردن کن و